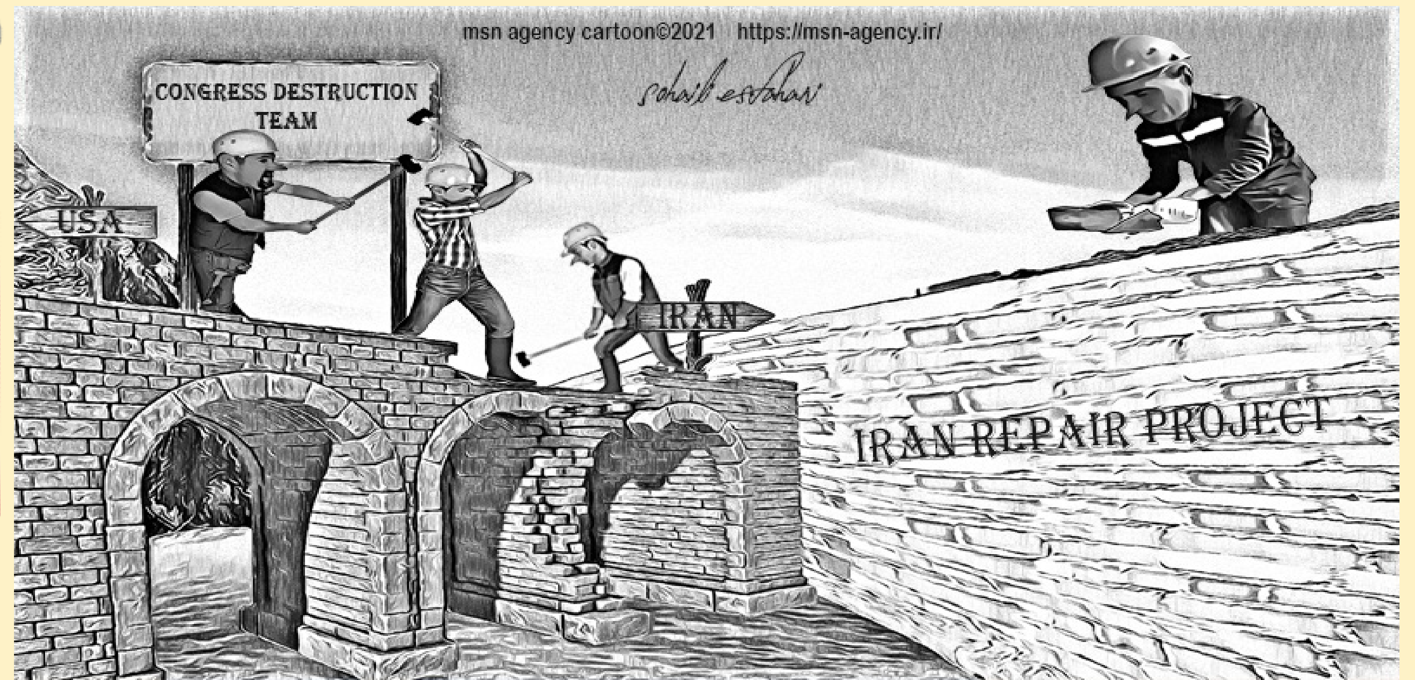
مجلهٔ فکاهی

۲۹ سال سوم
شماره پنجم

مُلانصرالدین





مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.



امسال که توپ در کردن، گفتم سال چنده؟ گفتن هزار و چهارصد..!

همین..!؟ هزار و چهارصد؟

گفتن: بعله!

ای بعله و بلا! چی طوری بوگم هزار و چهارصد؟ پس سیصدش کو؟

هر هر می‌خندن! آخه واسه چی می‌خندین؟ بنده تا یاد داشتم و همه کس و کارم یاد داشتن، بعد هزار یه سیصدی هم بود. نمی‌شه که همین طور، یهوکی سیصدش را بردارین. بعدش هم بوگین که بوگین هزار و چهارصد!

شنیدم یکی تابلو کرده و نوشته: هزار و سیصد و چهارصد، بعدش هم نوشته که مبارک باشه، ایشالله!

همه هر هر زدن به خنده که نمی‌شه که..؟

واسه چی نمی‌شه که؟ همین طور، یهوکی، بی‌مقدمه، الکی، دیگه نگیم هزار و سیصد؟ این می‌شه، اما نمی‌شه عین آدم بگیم هزار و سیصد و چهارصد! خیلی هم قشنگه! هم قشنگه و هم شیک!

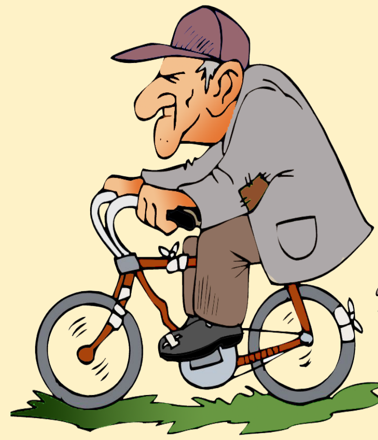
همین نظرمو به عباس آقا ماس بند گفتم. گفتش که..! نمی‌دونم والله! به نظر من که از این پس بهتره از سال قمری استفاده کنن. خیلی بهتره! هم با بالا و پایین اومدن ماه، سر انگشتی می‌شه حساب کرد و هم این که از خیلی وخت رفته توو هزار و چهارصد و مردم دیگه عادت کردن که بگن مثلا : غرهٔ شلوار ۱۴۴۲...

والله من که سوادم به عباس آقا ماست بند نمی‌رسه! ایشون از همون اول که تلویزیون گروندینگ اصل آلمان حلال شد، یک عدد ۱۴ اینچ سیاه و سفیدش را داشت تا حالا! شوما حساب کن که چقذه خبر دیده و شنیده؟

اما ببخشین‌ها، زشت نیست ما اسم ماهو بذاریم شلوار؟ اومدم از عباس آقا بپرسم، مشتریا ریختن سرش. حالا این که ماه غُر باشه یا نباشه و یا این که قمر در عقرب باشه یا نباشه که من سر در نمی‌آرم، خود عباس آقا بهتر عالمه، اما سر جمع، شلوار و تنبون و این جور چیزا، از نظر نزاکت و این که مبادا خانوما بشنون، به نظر من زشته!

حالا دفعه بعد، ایشالله، از عباس آقا سئوال می‌کنم.

شما اصلا حساب کن: زن‌ها همین جوری نزده دارن



می‌رقصن! بعد ببینن که ما مردها اسم شلوارمونو گذاشتیم رو ماه، فردا، زبونم لال راه می‌افتن که ما هم اسم شلیتمونو می‌خوایم بذاریم رو یه ماه دیگه! گلاب به روتون نمی‌خوام اصل اسمش رو ببرم ها! زشته! اما به هر حال این خطر وجود داره و همیشه هم هست!

حالا..!

بنده به شما خوانندگان گرامی، عرض دارم که عجله نکنین، بذارین چند سالی بگذره و مردم عادت کنن. ایشالله کم‌کم زبونمون بچرخه به هزار و چهارصد و مثلا بیست و یک! نمی‌شه یهوکی گفت: هزار و چهارصد! زبونم لال، یه عده ممکنه سکته کنن! این یه تحول ناگهانی بزرگیه که ممکنه بعضیا تحملشو نداشته باشن و بخوان برای بازگشت به دورهٔ هزار و سیصد اعتراضاتی بکنن و یا برعکس، عده‌ای از این بچه مزلف‌ها، بخوان همین سال بعدو بکنن هزار و پونصد!

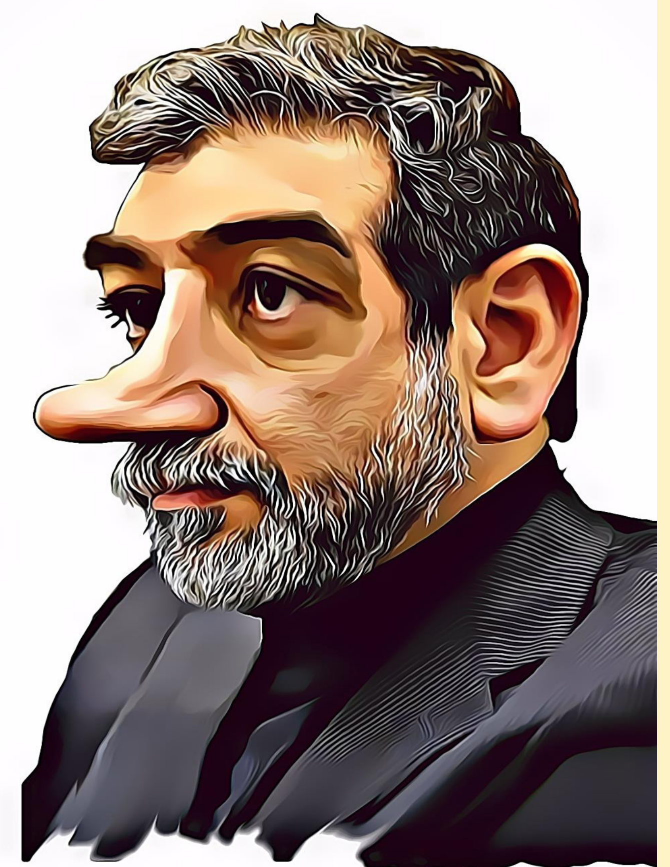
لذا بنده توصیه می‌کنم که ما فعلنده زیاد عجله نکنیم. صلاح نیست! همون بندهٔ خدا که نوشتن هزار و سیصد و چهارصد، آدم عنیقی بوده، یعنی دور را می‌دیده که اینو گفته!

پس ایشالله امسال، یعنی سال هزار و سیصد و چهارصدتون به خیر و میمنت باشه. من هم مژده بدم که حالم خوبه! قاطی پاتی هم ندارم! چون سکینه، امسال قبل از عید، سفری برای دیدن آبجیش به یه شهر دیگه کرد و بعد هم اعلام کردن اون جا قرمزه و سکینه دنده‌اش نرم، مونده همون جا! تحویلِ سال هزار و سیصد و چهارصد، خودم بودم و چار دَیفالی خونه، بدون سکینه! ای خدا قربون قدرتت برم که معجزه یعنی همین!

فهمیدم که تعجب کردین که اینقذه حالم خوبه و با ادب حرف می‌زنم. واسه خاطری اینه! حالا دیدین حالم خوبه، روتونو زیاد نکنین، برین رد کارتون و به این پیشنهاد سازندهٔ من فکر کنین!

محل امضا: احمد آقای قاطی پاتی

عراقچی، مذاکره نمی‌کنیم که هیچ، شیشکی هم می‌کشیم!



معاون وزیر امور خارجهٔ کشورمان اعلام کرد: از این پس، هیچ مذاکره‌ای با هیات‌های آمریکایی، هیچ جا نخواهیم داشت و خیلی هم پر رویی کنند، خودم بچه چهارراه سیروسم..!

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، عباس عراقچی تاکید کرد: "ما قرار گذاشتیم اصلا هیچ جا با هیات آمریکایی نه حرف بزنیم و نه اصلا نگاهشون کنیم. جایی هم میز چیدن، پشتمون رو می‌کنیم بهشون، انگار نه انگار که این‌ها را دیدیم."

خبرنگار ما از عباس آقا پرسید (ببخشید یخته با هم شوخی بی‌تربیتی کردیم، رومون به هم باز شد. دیگه من بهش می‌گفتم عباس جووون!): برای برخورد با هیات آمریکایی برنامهٔ دیگری ندارید. او پاسخ داد: "در هیأتمون، یه خانوم داریم، گفتیم دو سه تا چوب از شب قبلش تو آب بخیسونن و صبح بدیم این خانوم زیر چادورش بیاره توو. به ولای مرتضی علی، اصغر جوون (ملاحظه کردین که اسم من اصغره، حواستون به «جوونش» بود؟) یعنی لب تر کنن و بخوان متلک بندازن و قر و اطوار بیان...دیگه هیچ دیگه، همشونو به هم می‌مالونیم."

حیف حساب زبونم را نیگر نداشتم. پرسیدم: عباس جوون اول صبیه چیز میزی نخوردی، اینقده راحتی... هیچی داد منو با تیپایی انداختن بیرون. امان از زبون که نون بُر روزگاره..!

«واسکن» تا همین آخر فروردین ماه تزریق می‌شه!

مسئول اینایی که قراره واکسن بسازن بدن دست مردم، اعلام کرد: حالا حالاها واکسن آماده نمی‌شه..!

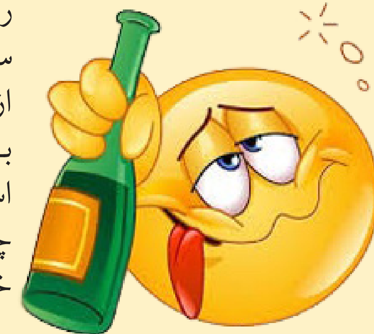
به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، خبرنگار ما از این مسئول پرسید: "داداش مگه خودتون نگفتین تا ته همین فروردین ماه واسکن بتون می‌زنیم، پس چی شد؟ ملتو ببو گلابی گیر آوردین!"

این مسئول ضمن تاکید بر این که "درست مثل آدم حرف بزن" پاسخ داد: "واکسن داستانش چیز دیگه است. اما این طور که شما می‌فرمایین، واسکن تا آخر همین فروردین ماه آماده است. بیا همین جا تا بهت بزنم!"

خبرنگار ما گفت: "ببین! با هم حساب شوخی بی‌تربیتی نداریما، وگرنه خودم بچه دروازه قاقم. دهنم وله..!"

دکتر مربوطه پاسخ داد: "اصلا واستا همین آلان بهت بزنم..!"

خبرنگار ما در پی این حرکت سوار موتور شد و در رفت. متاسفانه به سبب کمبود بودجه، از پیک موتوری به عنوان خبرنگار استفاده کرده بودیم. چوبش را هم خوردیم..!



ستاد کرونا: بچه‌ها متشکریم..!

ستاد مشترک انواع ویروس‌های کرونا، از همکاری مردم در ایام عید نوروز و انجام سفرهای عید بی‌اعتنا به تذکر مسئولین، صمیمانه تشکر کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در مصاحبهٔ مطبوعاتی ستاد، سخنگوی این ستاد گفت: "با همکاری مردم که پیش از این هم با خودداری از کاربرد ماسک، ما را شرمندهٔ الطافشان کرده بودند،



میزان ابتلا به انواع ویروس کرونا و مرگ و میر به شکل چشم‌گیری افزایش یافته است و اگر این روند ادامه یابد، ما می‌توانیم به شما قول بدهیم، کم کم فاصلهٔ نسبتا زیاد خودمان را با کشورهایی مثل آمریکا و برزیل کاهش داده و به راس هرم ابتلا و مرگ و میر نزدیک شویم."

وزیر صمت: بعدا تصمیمات را اعلام می‌کنیم، فعلنده عیده!

وزیر وزارتخانهٔ معدن، صنعت و تجارت اعلام کرد: فعلنده عیده و ما هم نمی‌دونیم باید چی کار کنیم. ایشالله بعد از عید، نیگا می‌کنیم که موانع تولید چیه، ورش می‌داریم!



به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، او در پاسخ به سئوال خبرنگار ما که قراره از کی بپرسیم که موانع تولید چیه، گفت: "از خودم بپرسین!" خبرنگار ما سئوال کرد: "خودتون از کی سئوال می‌کنین؟" وزیر پاسخ داد: "از بازار واردات..!"

خبرنگار ما گفت: "ای زکی..!"

کشتی کره‌ای ایشالله آزاد می‌شود!

یکی از مسیولان که اصلا نام ندارد، اعلام کرد: فعلا در حال بارکشی با کشتی کره‌ای هستیم، هر وقت کارمان تمام شد، به کره‌ای‌ها پس می‌دهیم.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این مسیول در گفتگو با خبرنگار ما اعلام کرد: "برای این که سود پول‌های بلوکه شدهٔ ما در کرهٔ جنوبی دربیاد، کشتی را انداختیم در خط خرمشهر- چابهار، حمل مسافر و بار می‌کنه. هر وقت پول ما آزاد شد، تا صاف شدن سود پولمون ازش کار می‌کشیم، بعد ایشالله تحویل کره می‌دیم. زیاد شلوغ نکنن، زیاد طول نمی‌کشه. فوقش ده سال..!"

بر این اساس، به زودی این کشتی آزاد خواهد شد. ده سال که چیزی نیست. چشم به هم بزنی گذشته..! عی روزگار انگار همین دیروز بود با بچه‌ها توو کوچه، گل کوچیک بازی می‌کردیم.



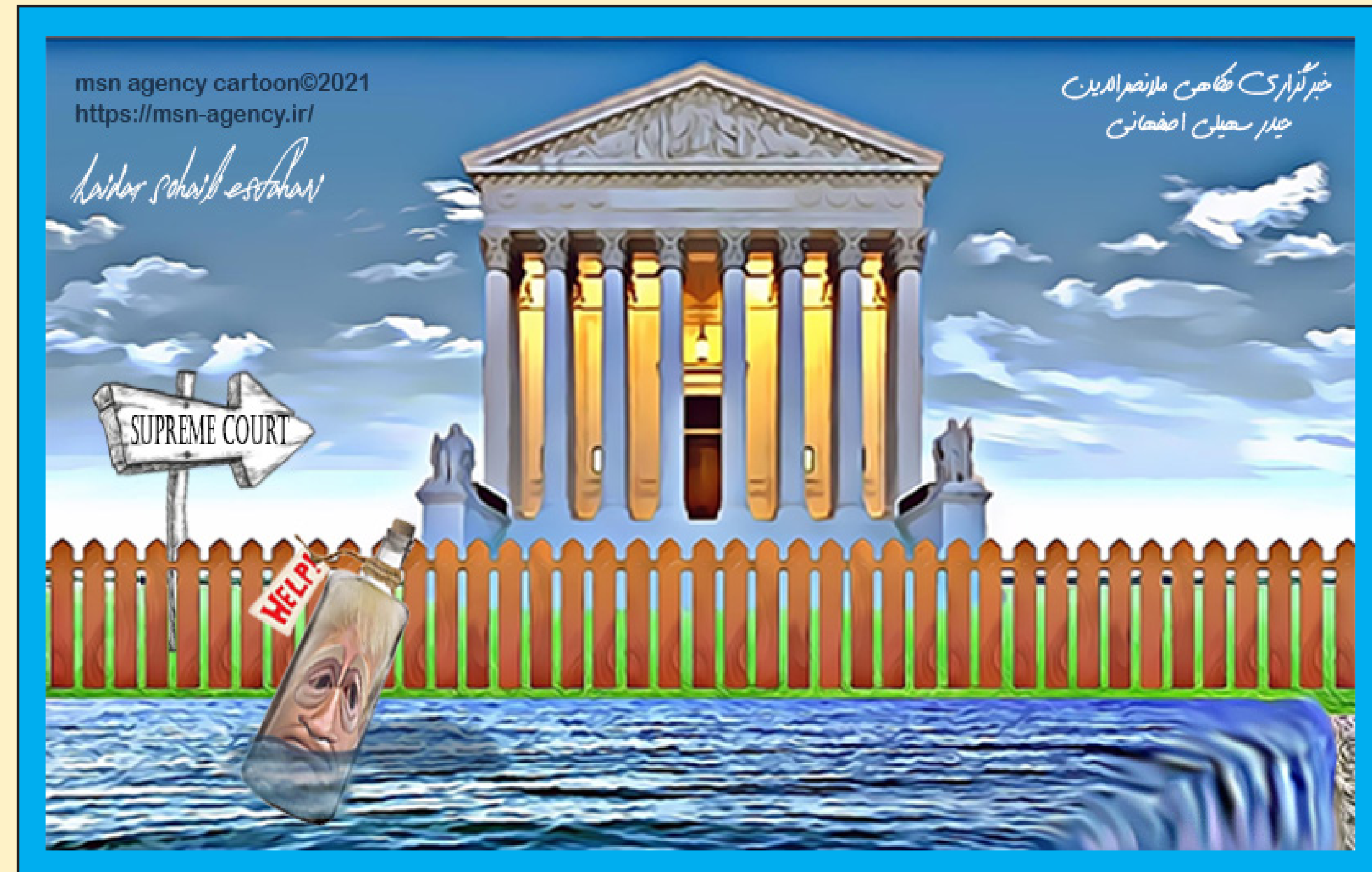


دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نرفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می‌کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می‌گیرد. انسانی که بازیچهٔ افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می‌خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می‌فهمد.

- آقای دکتر، چه شری به پا شده سر این توافقنامهٔ ایران و چین! راستش من هم پاک گیج شدم، نمی‌دونم خوبه یا بده!
• نمی‌دونی خوبه یا بده!؟ اون هم در شرایط تحریم کامل مملکت؟
- خب اگه ما می‌تونستیم برجام را دوباره احیا کنیم که خیلی بهتر بود..!
• نه بابا! بهتر بود؟ سر همون برجامی که فرمودین، همین قشقرق به پا نشد؟
- خب اون وری‌ها به پا کردن، نه این وری‌ها!
• چه فرقی می‌کنه؟ آقایون دست، خانوما رقص! حالا برعکس..!
- راستش اصلا نفهمیدم لُپ حرفتون چیه؟
• لُپ حرف منِ الاغ اینه..! من اولش بار بر می‌دارم، کار می‌کنم، بعدِ سر این که یونجه و علف نرسیده، عر می‌زنم. شما یونجه نیومده، عرتون هواست..! اصلا کاری ندارین که خوبه یا بده! نیگا می‌کنین که رفیقتون کیه... اگه گفت خوبه، شما بشکن می‌زنین و قر می‌دین و خدا نکنه اگه طرف مقابل نطق کشید، خشتکش رو می‌دین دستش! اگه نه که کاملا برعکس..!
- یعنی بررسی و تحلیلی در کار نیست..؟
• چرا عزیزم! کی گفته نیست؟ خان باجی خانوم، سطح تحصیلات، دیپلم ردی با استعانت از عنایات پروردگار و تک ماده... در حال بار گذاشتن قرمه سبزی، یهوکی به نظرشون می‌رسه که می‌باس نظر بدن، اون دربارهٔ چی؟ دربارهٔ برجام یا توافق ایران و چین و می‌گرده یه چیز پیچیده‌تر پیدا می‌کنه تا کلمات قصار بنویسه. اون هم با محوریت کلمهٔ واقعا..!
- واقعا..!
• خب الحمدلله شاهد از غیب رسید!
- آخه می‌گن که چین در کامبوج عملکرد خوبی نداشته..!
• کامبوج کجاست؟
- همون طرف‌هاست!
• کدوم طرف‌ها..!؟
- طرف‌های چین..!
• از تاریخش..! اتفاقاتی که براش افتاده..! چین چطوری وارد کامبوج شد؟ اصلا چرا وارد شد؟ چرا ملتی که به دست خمرهای سرخ دقیقا نصف شد، این همه از ورود ارتش‌های چین و ویتنام به کشورشون خوش حال شدن... چیزی می‌دونی؟
- نع..!
• اما می‌گن: چین عملکرد خوبی در کامبوج نداشته..! در اون سال‌ها، چین عملکر خوبی در خود چین داشته؟ قبل از اون، عملکرد آمریکا در ویتنام چی بوده؟ قبلش، فرانسه در ویتنام چه کرد؟ قبلش، آمریکا و متحدانش در کره چه کردن؟ قبلش، آمریکا در ژاپن چه کرد..؟ همین جوری گوتره‌ای، نه کاری به زمان دارین، نه مکان، نه شرایط پیش آمده و نه این که دربارهٔ کجا حرف می‌زنین، آیا اصلا می‌شه این دو مورد را با هم مقایسه کرد؟ آخرش هم خر منم..!
- امسال سال گاوه..!
• یک کلمه پشت سر گاو حرف بزنی با جفتک می‌آم توو صورتت که شما آدم‌های دو پا، روی هر چی خر و گاوه سفید کردین. نشون به اون نشون که هر ماه، توی بشر دو پا، در به در دنبال من می‌افتی که با من مصاحبه کنی و چپ و راست از من نظر می‌خوای!



- خیلی خب حالا..! خب شما چرا اصلا با این توافق موافقین؟
• کی گفت من موافقم؟ من با آب خوردن شما هم مخالفم! با نفس کشیدن شما هم مخالفم! همین چین ننه مرده را ببین. تا کرونا اومد، مسئولانش اعلام کردن و از مردم خواهش کردن که لطفا در منازل بمونین و بسیج گسترده‌ای برای مقابله با کرونا راه انداخت. اون هم وسط یک میلیارد و خرده‌ای آدم..! کشوری که در صدر مبتلایان به کرونا بود، حالا کجاست؟
- ته فهرست مبتلایان..!
• مملکت خودمون چه طور؟ بعد از دو سال مرگ و میر..! تازه مردم فهمیدن که سطوح اصلا آلوده نیستن و اصلا لزومی نداره از این نظر رعایت کنن! یکی نیست بهش بگه آخه تن لش! توکی ماسک زدی که حالا خوش حالی، می‌تونی همه جونت رو به هر جا خواستی بمالی، طوری هم نمی‌شه؟ تازه! همهٔ این بدبختی‌هایی که مردن، از مبتلایان به کرونا لب می‌گرفتن که مبتلا شدن و مردن؟ خب! تو چی چیت شبیه چینه؟ همین فرصت رو ده سال پیش هم داشتی که از چین دستگاه بیاری و کار و تولید راه بندازی، چی کار کردی؟ رفتی جغجغه و تخم مرغ و سیر و پیاز و... هزار درد بی درمون از چین وارد کردی، کلی کارخونه از کار انداختی، هزاران نفر را بی‌کار کردی و چند صد میلیارد پول این مملکت را به باد فنا دادی... حالا هم داری عر می‌زنی و عر زدن را به من بی‌چاره نسبت می‌دی...
- خب از کجا حالا تضمینی هست که دوباره همون وضع بر پا نشه؟
• هیچ تضمینی نیست! جز پول..!
- پول؟ ما پولمون کجا بود؟
• ده همین دیگه! خبری دیگه از پول نیست! باید هم بیاری کار کنی... فقط همین تضمین هست! یه تضمین دیگه هم البته هست، اون هم پس گردنی یک دولت نظامی زبون نفهمه که تا خواستی پول صادراتت را ببری ویلا در گرجستان و اسپانیا بخری، آویزونت کنن و تا سنت آخر را از توو حلقت بکشن بیرون... که اون هم هزار تا اگر و اما داره. چون در نهایت، داری دیزی رو می‌دی دست گربه...
- استاد امروز شما خیلی خطرناک شدی! همه‌اش از بزن و بکش حرف می‌زنین..!
• تا نباشد چوب تر، فرمان نبرد آدم کر..!
- تحریف نکردین..!؟
• نه خیر! همین درسته!
- چشم! پس تا همین جا دیگه بسه! خداحافظ تا ماه بعد، خدمت برسم!
• نرسیدی هم نرسیدی..!



msn agency cartoon©2021
https://msn-agency.ir

haidar sohaili esfahani



Wendy Sherman-deputy secretary of state of USA (may be!)



کارتون های مُلانصرالدین



msn agency cartoon©2021
https://msn-agency.ir

خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین
حیدر سهیلی اصفهانی



گپ و گفت

شنیدی؟
اندر حکایت ارز نیمایی برای خرید واکسن!

– امروز کبکت خروس می‌خونه، راه می‌ری بشکن می‌زنی، باز چی شنیدی!؟

• چیزِ چیزستون..!

– این دیگه چی چیه!؟

• شنیدی، حسن کلید ساز چی گفته؟

– نه باز چی شنیده، این پنج شنبیه!؟

• گفته که بخش خصوصی، واکسن وارد کند!

– ده بیا..! خب کجاش شادی آوره که این طور داری قر می‌دی. اصلا بگه که برین تاپاله وارد کنین... مگه تا حالا مشکلی بوده؟

• ده نه ده! نگرفتی! گفته با ارز نیمایی..!

– آخ جون!♪بچه بودم نفهم بودم جیم بودم ز مکتب..! ده بیا..! جیم بودم ز مکتب..!♪

• دیدی به قر دادن افتادی!؟

– آره والله..! حالا کی؟ کجا؟ چطوری؟ کدوم طرفی برم؟

• هیچی دیگه! تا حالا من و تو، به عشق نیما، کدوم طرف می‌رفتیم؟ همون طرفی!

– راستی آخرین بار، برای چی چی ارز نیمایی گرفتی؟

• واسه وارداتِ انبوه انسولین برای بیماران دیابتی عزیز..!

– بعد چی شد؟ پیدا کردی؟

• جون تو هر چی گشتم، نبود! آخرش رفتم ترکیه، گفتم شاید اون جا باشه. جون تو اون جام نبود. رفتم یه ویلا توو سواحل ازمیر خریدم تا اگه پیدا شد، اقلا جایی باشه، انبار کنم...

– اونم توو ویلای سواحل ازمیر..!

• خب خودم هم خسته بودم و نیاز به استراحت داشتم...

– حالا بلاخره چی عوضش وارد کردی؟

• تاجری بود در آن همان دیار، بضاعتی از چین و ماچین آورده بود که کردن بودن توو پاچه‌اش خخخخخ سیم کهنهٔ درجهٔ چهار ایالت تونکن چین... کیفیتش اینقدر بالا بود که برق هم توش جریان پیدا می‌کرد، هم روش! خخخخخ آوردم انداختم توو گمرک!

– تخم سگ! برای بیماران بی‌چارهٔ دیابتی ارز نیمایی گرفتی، بعد رفتی ویلا خریدی در سواحل ازمیر؟

• نه جون تو! تلاش مجدانهٔ خودم را کردم..! نشد خب!

– خخخخخ..! ترسیدی؟ خودم هم یه کارهایی توو همین مایه‌ها کردم. پرونده‌م هم هنوز بازه..!

• مال من هم هنوز بازه..! گور پدرش! حالا چطوری بریم بگیریم؟ خودمون که سر تاپامون پیف پافیه!

– مادر زنت در قید حیاته؟

• نه! بردیم کردیمش توو صندوق خونهٔ آخرتش!

– خخخخ نامرد، چه بد حرف می‌زنی، دربارهٔ مادر زنت..!

• کلا منظورت رو فهمیدم! بریم پیرزن بازی..!

– آی دمت گرم! خوشم می‌آد که اینقدر فهم و شعورت سرجاشه!

• شتیل شد، مقصد دیار ترکیه دیگه..!

– نه دیگه! فقط اسپانیا..!

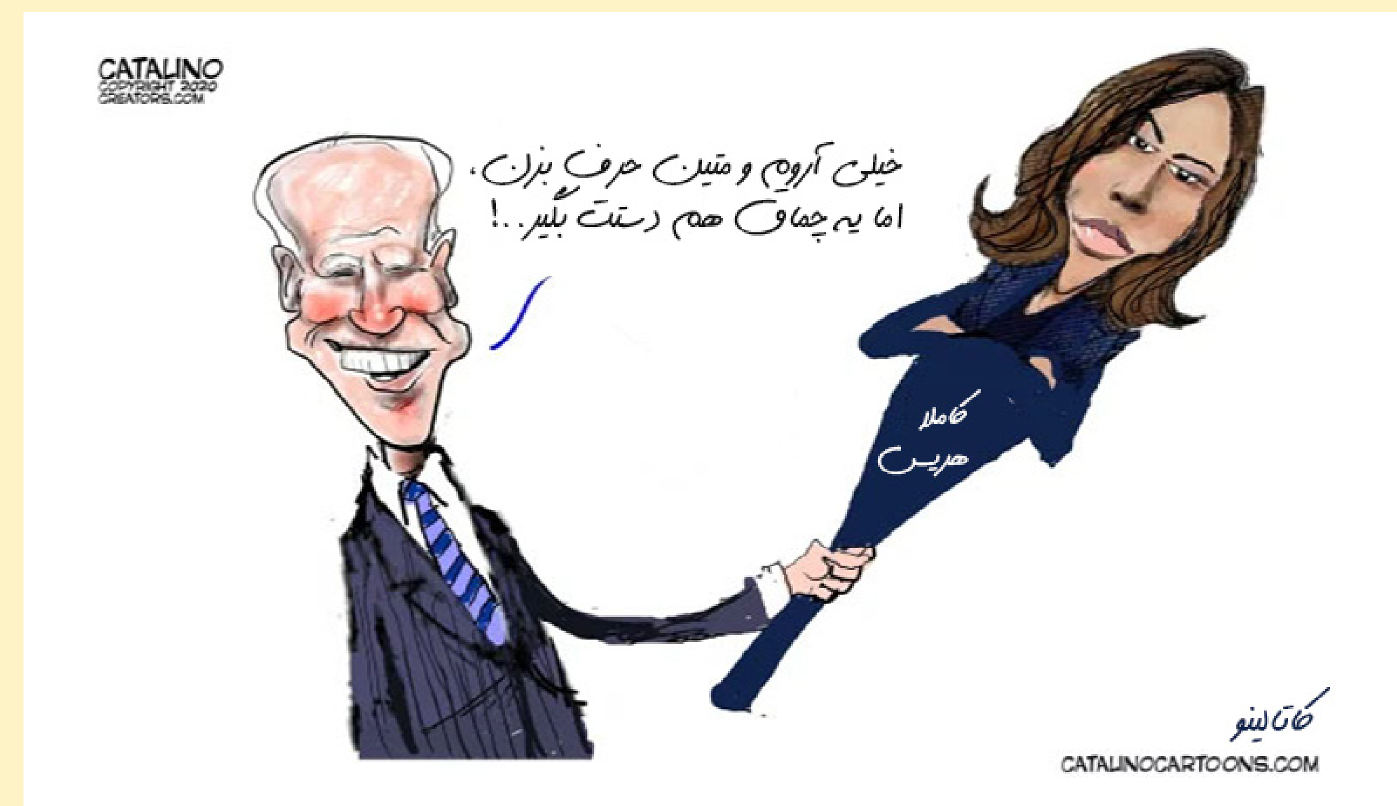
• جون! اسپانیا... اسپانیا..!





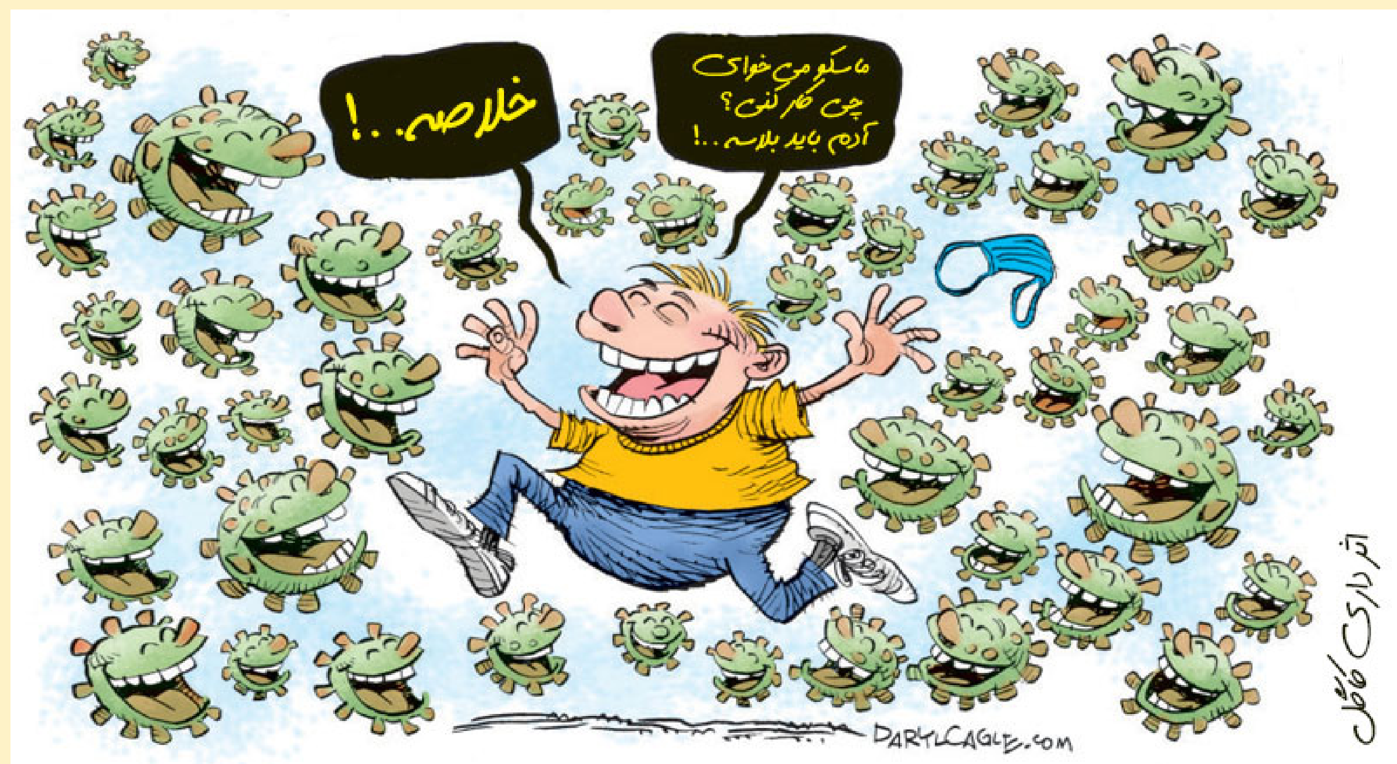
خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین
حیدر سهیلی اصفهانی
msn agency cartoon©2021
https://msn-agency.ir/

sohail esfahani

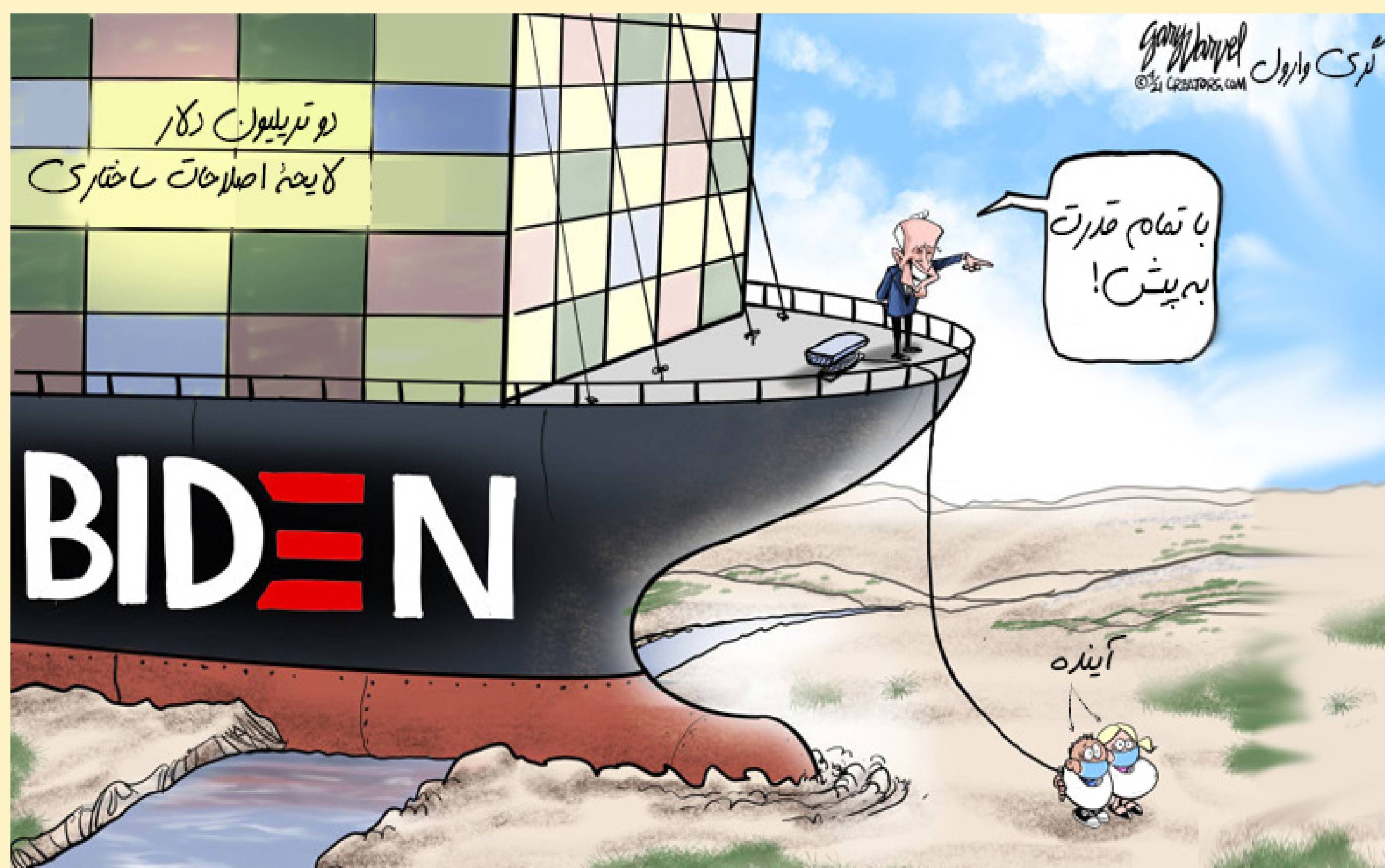


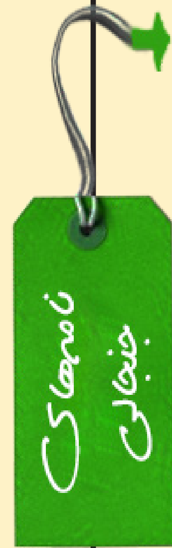
کارتون های خارجی





کارتون های خارجی





درگذشتهٔ سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعی شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضع اتوکشیده آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران و محصولات بی‌ربط و ضعیفی را می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چالی چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد. در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر رئیس‌جمهوری چین بخواهد برای همتای آمریکاییش نامه بنویسد، چه خواهد نوشت؟

ما چینی‌ها عادت نداریم احوال پرسی کنیم، لذا همون اول، می‌رم سر اصل مطلب: من دقیقا نفهمیدم در کشور شما چه اتفاقی افتاده..؟ کلی هزینهٔ سنگین کردید. دو دوره انتخابات مقدماتی و اصلی را برگزار کردید. در جریان مناظره‌های انتخاباتی، همهٔ نامزدها، دست جمعی سعی کردید خشتک همدیگه را پرچم کنید. گذشتهٔ همدیگه را برملا کردید و آبروی همدیگه را درست و حسابی بردید و بعد، تو شدی رئیس‌جمهوری ایالات متحده!

خب من خیلی خوش حال شدم. پیش خودم فکر کردم که بعد از چهار سال پر از نکبت که یک دیوانه به معنی واقعی کلمه، رئیس جمهوری کشور شما بود، حالا مردی روی کار می‌آید که مدت‌ها معاون باراک اوباما بود و سعی دارد سیاست کشورش را دربارهٔ کشورهای دیگر عوض کند، تحمل بیشتری از خودش نشان دهد و بیشتر گفتگو کند.

چند ماهی از انتخاب تو نمی‌گذرد که می‌بینم سیاست‌های تو با دونالد ترامپ مو نمی‌زند. دقیقا همان است! تو این همه خرج کردی و در جریان مناظره‌های پر تنشت با آن دیوانه، دقیقا همین سیاست‌ها را زیر سئوال بردی، تا پس از انتخابت، دقیقا همان سیاست‌ها را اجرا کنی؟

من بقیهٔ کشورها را نمی‌دانم، اما از نظر ما چینی‌ها این کار خیلی ابلهانه است. ما هم انتخابات داریم. رئیس جمهوری که می‌آید هم موظف است سیاست‌های حزب و نظام را اجرا کند. کنگرهٔ خلق به او می‌گوید که چه وظایفی دارد. ما هم از یکدیگر انتقاد می‌کنیم. البته بسیار مؤدبانه‌تر از شما و حق نداریم دربارهٔ رقیبمان دروغ بگوییم، چون شکایت می‌کند و حزب حسابمان را می‌رسد. دموکراسی شما، دقیقا به این معنی است که شما می‌توانید دروغ بگویید و آبروی رقیبتان را ببرید و او برای نجات خودش از دروغ‌های شما، نمی‌تواند کاری بکند؟

خیلی عجیب است!

بعد هم همان سیاست‌ها را ادامه می‌دهید. سیاست‌های تو دربارهٔ ما و روسیه و ایران، همگی همانی است که ترامپ هم اجرا می‌کرد!

به من نگو که مستقلی و آزادی که سیاست‌های خودت را اجرا کنی. ما چینی‌ها از شوخی خوشمان نمی‌آید! تو ارباب داری؟ چرا این طور فکر می‌کنم؟ خیلی ساده است، چون تو سیاست‌های ترامپ را مو به مو اجرا می‌کنی. یعنی ارباب تو و ترامپ یکی است. تو در مناظره‌ها، قول‌هایی دادی که حالا اصلا اجرا نمی‌کنی، یعنی از نظر ارباب تو، گفتن این دروغ‌ها برای کسب رای اشکالی ندارد، درست برعکس کنگرهٔ خلق که از ما حساب‌کشی می‌کند.

ارباب تو و ترامپ یکی است. چون تو حتی در روش‌های خودت هم همان شیوهٔ قبل را اجرا می‌کنی. همه را تحریم می‌کنی. در حالی که همه عقیده داشتند این شیوهٔ ترامپ است. پس شیوهٔ ترامپ نیست، شیوهٔ ارباب مشترک شما دو نفر است.

حالا باید دید، در اجرای اهداف این ارباب، کدام یک روش بهتری داشتید. ترامپ خیلی شلوغ می‌کرد و هزینه‌ها را بالا می‌برد. در کشور ما، کنگرهٔ خلق هم خوشش نمی‌آید، مسئول انتخابی، هزینهٔ بیشتری روی دست کنگره و کشور بگذارد. ترامپ زیاد شعار می‌داد و برای رقیبانش خط و نشان می‌کشید. در کشور ما، کنگرهٔ خلق خوشش نمی‌آید که مسئول مربوطه، زیادی شلوغ کند و حاشیه درست کند. ما باید مؤدب باشیم و در پاسخ به رقیب، سکوت را بر حاشیه درست نکردن ترجیح دهیم. یعنی اگر لازم شد سکوت مطلق کنیم تا حزب ببیند که ما تا چه اندازه، حواسم به وظایف خودمان است، نه قدرت طلبی و کل کل کردن. این امتیاز است.

در سیستم شما این طور نیست!

ارباب در اصل دوست دارد شما سر و صدا و شلوغ کنید و با همدیگر دعوا و کل کل کنید. حتی در مواردی خیلی از دایرهٔ اخلاق خارج می‌شوید. در جریان مناظرات، ترامپ به تو می‌گفت پیرمرد ابله و تو به او چند بار گفتی خفه شو! اگر مسئولی در چین از این حرف‌ها بزند، کنگرهٔ خلق برخورد وحشتناکی با او خواهد کرد، البته، چنین چیزی حتی از مسئولان استانی هم ساطع نخواهد شد، اما شما مثل هنرپیشه، این روش را اجرا می‌کنید.

خب چرا این کار را می‌کنید؟ من فکر می‌کنم: چون ارباب شما دوست دارد پنهان بماند! اما دونالد ترامپ با شلوغ کردن بیش از اندازه، یعنی بیش از اندازه‌ای که ارباب اجازه می‌دهد، او را از حاشیهٔ امنیت بیرون کشید و ارباب دوست ندارد..!

اما تو وظیفه داری مؤدب و آرام باشی و دقیقا همان چیزی را انجام دهی که ارباب تو می‌خواهد! اما سیاست‌های ارباب عوض نشده است. او برای سیاست خارجی آمریکا، با چین، روسیه و ایران، همان چیزی را می‌خواهد که دونالد ترامپ قبلا هم با شلوغ‌کاری بیش از اندازه و هزینه‌تراشی زیاد، همان را مطالبه می‌کرد.

من کاری به این ندارم که ارباب یا اربابان تو و ترامپ کیستند. آیا مشتی کارخانه‌دار هستند یا مشتی کاباره‌دار یا هر دو و یا مشتی بانکدار که اربابان کوچکتر را با ادارهٔ سیستم پولی و مالی کنترل می‌کنند؟

من هم ارباب دارم. ارباب مرا همه می‌شناسند: کنگرهٔ خلق چین ارباب من است و او به من گفته که به تو بگویم: «خر خودتی!» البته باید ببخشی! ما چینی‌ها اینقدر بی‌ادب نیستیم، اما اربابم از من خواسته که به شیوهٔ خود آمریکایی‌ها که خیلی صریح و رکیک حرف می‌زنند، واضح به تو بگویم: «خر خودتی!»

تو زیاد حاشیه نمی‌سازی. گاهی اصلا فراموش می‌کنی رئیس‌جمهوری آمریکا هستی و کاملا هریس را به عنوان رئیس‌جمهوری معرفی می‌کنی. این‌ها هیچ کدام مهم نیست! اتفاقا ما هریس را ترجیح می‌دهیم، چون از فراموش‌کاری اصلا خوشمان نمی‌آید. تو یا واقعا پپه و ابله هستی یا در نشان دادن حماقت، مهارت بسیار بیشتری از ترامپ داری. چون او می‌خواست خود را مردی دلیر و شجاع نشان دهد، اما نقش یک ابله تمام عیار را بازی می‌کرد. تو برعکس، ظاهرا راحتی و نقش همان ابله را بازی می‌کنی. خیلی هم خوب..!

چون ما راستش منتظر شدیم تا تو بیایی و ببینیم آیا واقعا یک مملکت به بزرگی آمریکا، این قدر خر تو خر شده که یک رئیس‌جمهوری دیوانه مثل ترامپ، آن را به چنین مسیرهایی بکشد. تو آمدی و به ما گفتی که نه خیر! آمریکا حساب و کتاب دارد و اتفاقا مردم آخرین چیزی هستند که در نظر گرفته می‌شوند. تو فقط حق داری که نقشت را بهتر از ترامپ بازی کنی. به همین جهت، بازی خودمان را کردیم و مثلا با ایرانی‌ها توافق اقتصادی امضا کردیم و با روس‌ها، سیاست‌های تازه‌ای را در پیش گرفته‌ایم.

تو می‌توانی به ارباب‌هایت بگویی که نقشهٔ قبلی که با ترامپ نگرفت، با تو هم به نتیجه نخواهد رسید، حتی اگر کاملا هریس بعد از تو بیاید و جلوی دوربین استریپ تیز کند.



پرونده عادی سازی با اسرائیل روی میز است، باقیش زیر میز!



وزیر امور خارجهٔ عربستان سعودی اعلام کرد که خود پروندهٔ عادی سازی روابط با اسرائیل روی میز است، اما اصلش رفته زیر میز.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، فیصل بن فرحان که تا حالا هر چی کاریکاتور ازش کشیدیم، از خودش قشنگتر دراومده، اعلام کرد: "در پرونده‌ای که دربارهٔ عادی‌سازی روابط با اسرائیل روی میز گذاشتیم، فقط یک برگهٔ آچهار سفید هست که اون بالا نوشته: تا وختی اسرائیل، حقوق حقهٔ فلسطینی‌ها را نده و زمین‌های عربی را آزاد نکنه، ما غلط بکنیم روابطمون رو با اسرائیل عادی کنیم. یعنی عمرا..! بعدش هم دو تا خط رو هم کشیدیم که یکیش خطه و اون یکی نشون!"

او در پاسخ به سئوال خبرنگار ما که "باقی صفحه را چی کار کردین؟ همین جور سفید ول کردین؟" گفت: "نع! چون صفحه خیلی قدیمیه، محمد بن سلمان وقتی سن عقلیش خیلی کمتر از حالا بود و در واقع کودکی بیست و سه ساله بود، نقاشی قشنگی روش کشیده که یک کلبه است و پشتش خورشیده و یک رودخونه از جلوش رد می‌شه. تا حالا هم پنج بار به عنوان بهترین نقاشی قرن، در عربستان جایزه گرفته..!"

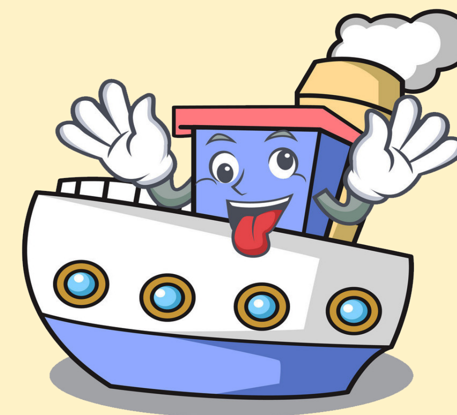
خبرنگار ما پرسید: "زیر میز چه خبره!"

فیصل بن فرحان نیشش باز شد و سه متر دندون رو بیرون انداخت و گفت: " اونش دیگه به تو ربطی نداره..!"

بنیاد دفاع از دموکراسی: چین با سیاست بایدن در خاورمیانه حال می کند!

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها اعلام کرد: سیاست بایدن در خاورمیانه به سود چین تمام می‌شود و سیاست رئیس‌جمهوری آمریکا در قبال چین به سود ایران

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، سخنگوی این بنیاد از روشی که بایدن در پیش گرفته به شدت انتقاد کرد و گفت: "حواس پرتی این مرتیکه همه چیزمون رو به هم ریخته! نه می‌دونه، ایران کجاست، نه می‌دونه چین کجاست. کارش به جایی رسیده که کاملا هریس را با خودش اشتباه می‌گیره. بهش گفته بودیم که با ایران روش ملایمی در پیش بگیره، اولش رفت با چین روش ملایمی در پیش گرفت و با ایران بدجور چپ افتاد. بعد بهش گفتیم منظور ما چین بود، رفت با چین هم چپ افتاد. حالا هم حاضر نیست با ایران ملایمت به خرج بده، میگه زشته! اون وخ همه می‌گن چه رئیس جمهور گیجیه این بایدن! یکی نیست بهش بگه: اگه این گیج بازی نیست، پس چیه؟"



یارو اینقذه قاطی کرده بود که خبرنگار ما جرات نکرد، سئوال دیگری از او بپرسد!

هرگونه دور پلیسی در کانال سوئز ممنوع

به دنبال گیر کردن ابرکشتی ژاپنی و بعد رها کردنش بعد از کلی بدبختی و بی‌چارگی، سازمان ادارهٔ کانال سوئز، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: "هرگونه دور پلیسی در کانال ممنوع است!"

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، پیش از این، فقط انجام بعضی حرکات، از جمله تک چرخ با نفتکش‌های هزار تنی به بالا ممنوع بود. به این ترتیب، دور پلیسی هم به فهرست اقدامات ممنوع اضافه شد. در این بیانیه آمده است:

"متاسفانه، این روزها شاهدیم هر چی جک و جواده از بی‌کاری و بدبختی افتادن توو کار باربری... تا حالا مشکلمون این بود که این حضرات، با کلی قرض و قوله و بدبختی، یک عدد نیسان بار آبی رنگ

می‌خریدن و می‌افتادن توو کف جاده و جور قر و اطوارش را پلیس بدبخت باید می‌کشید. حالا افتادن توو کف دریا، به بهونهٔ بارکشی، با هم کل می‌ندازن و شرط بندی می‌کنن. با کمال تاسف، بعد از تحقیقات و پس گردنی‌های بسیار، متوجه شدیم که ناخدای کشتی بارکشی ژاپونی با ناخدای یه کشتی دیگه از قبل لج بودن یا کل داشتن یا هر چی..! بعد یهو واسه این که کنفش کنه، جلوش می‌آد دور پلیسی بزنه که این همه بلا ملا به پا شد. از این پس هر نکبتی که از این مسخره‌بازی‌ها در کانال سوئز دربیاره، به ولای عمر قسم، وا می‌داریم یه هرم کنار هرم خوفئو بسازه. حالا ببین! اگه نکردیم، سیسی بچهٔ باباش نیست!"

شایان گفتن است: اولا نکبت خودتی! دوما برو تو هم با اون کانال سوئزت! سوما، ناخدای بدبخت، ژاپونی نبود و بچهٔ برازجون خودمونه! چهارما، اگه تونستی جلوی تک چرخ با نفتکشمونو بگیری، اووخ بیا و جلوی دور پلیسی ما رو بگیر... پنجما، تو حالا ببین..!

پوتین خطاب به بن سلمان: اون اره‌تو بده!



رئیس‌جمهوری روسیه در دیدار با محمد بن سلمان، از تجربیات ولیعهد عربستان برای تکه پاره کردن اوپک استفاده کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، ولادیمیر پوتین، پس از این دیدار خطاب به خبرنگار ما گفت: "با توجه به تجربیات گرانبهای ولیعهد عربستان در جر دادن و پاره کردن و شقه کردن، در این دیدار سعی کردم برای شقه کردن اوپک از تجربیات ایشان استفاده کنم."

خبرنگار ما (همون پیک موتوریه) از مصاحبه با محمد بن سلمان خودداری کرد و گفت: "مگه من *** خُلم! مگه چقذه می‌دی که من برم با این هیولا حرف بزنم؟ مگه نشنیدی پوتین چی گفت؟ این یارو زیر عباش اره برقی داره..!"

خیلی خب حالا! نرو..!

نیرنگ بزرگ قرن به دولت مغرب اختصاص یافت!

دولت پادشاهی مغرب، با فریب دادن آمریکا توانست: لقب بزرگترین نیرنگباز قرن بیست و یک را به خود اختصاص دهد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، دولت مغرب توانست در ازای شناسایی اسرائیل و برقراری روابط دیپلماتیک با این رژیم، آمریکا را به پذیرفتن حاکمیت مغرب بر صحرای باختری راغب کند. حال آن که رباط از سال‌ها پیش، روابط پنهانی با اسرائیل داشت.

سازمان رکورد گینس، با این اقدام دولتمردان مغربی، لقب بزرگترین نیرنگباز قرن را به دولت مغرب داد.

به دنبال اعلام این خبر، دو دولت بحرین و امارات متحدهٔ عربی، برای به دست آوردن لقب ابله‌ترین دولت‌های قرن رقابت سنگینی را با هم آغاز کردند. با این حال، بعضی کارشناسان معتقدند که شانس دولت بحرین برای احراز این لقب بیشتر از امارات است. چون امارات متحده اقلا توانسته است قول زبانی سرمایه‌گذاری جهانی را از نتانیاهو بگیرد، اما بحرین صرفا واسه خاطر کلاسش، اسرائیل را به رسمیت شناخته است.

عده‌ای دیگر، به سبب توقف سرمایه‌گذاری‌های ایران در امارات، در ازای قول خشک و خالی سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران بزرگ یهود، امارات متحده را برای نیل به لقب ابله‌ترین کشور قرن بیست و یکم شایسته‌تر می‌دانند.

حالا فعلا بینشون دعواست، تا ببینیم رای داورها چیه!



نشانی‌های خبرگزاری ما روی اینترنت:

خبرگزاری فکاهی مُلانصرالدین

MollaNasroddin Satire News Agency

واقعیت خنده‌دار است!

خبرهای سیاسی | خبرهای اقتصادی- اجتماعی | مجلهٔ فکاهی ملانصرالدین | کارتون و کاریکاتور | خبرهای هر کی هر کی | دیدگاه | نامه‌های جنجالی | خوشگل الحکایات

Wendy sherman

Wendy Sherman-deputy secretary of state of USA (may be!)

روابط ایران و آمریکا، نقطهٔ پایان تاریخی

یعنی ما جدی نیستیم!؟

تبرئه(Acquit)

خبرهای سیاسی

رد شکایت

یعنی ما جدی نیستیم!؟

میل به برجام و بایدن ناکام

پمپئو: به خدا این دفعه راست می‌گم!

روابط ایران و آمریکا، نقطهٔ پایان تاریخی

اثر حیدر سهیلی اصفهانی خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین حیدر سهیلی اصفهانی msn agency cartoon©۲۰۲۱ https://msn-agency.ir/ Haidar Sohaili Esfahani Email: info@msn-agency.ir

شمارهٔ اخیر مجله | برای دانلود، روی مجله کلیک کنید

http://msn-agency.ir

http://mollanasroddin-magazine.ir



بهاریه

گاو آمده و یاوه شده دُرّ معانی
جز یاوه نمانده به کف آدم فانی
چون رسم چنین است که جز گاو نماند
از عقل و خرد هیچ نمانده است نشانی

گاو آمده و یاوه شده دُرّ معانی
جز یاوه نمانده به کف آدم فانی

چون گاو به کردار و به گفتار حلال است
چون گاو نبودن صفت آدم لال است
گر در همه آفاق خرد آب زلال است
این جا، ز خرد جار زدن، حکم زوال است

گاو آمده و یاوه شده دُرّ معانی
جز یاوه نمانده به کف آدم فانی

گفتند که امسال شده بر سِمَت گاو
آفاق جهان، جمله شده بر صفت گاو
هر سال چنین بوده و هر ماه چنانیم
هر سال چرا در نرسد مرحمت گاو؟

گاو آمده و یاوه شده دُرّ معانی
جز یاوه نمانده به کف آدم فانی

گفتند که یاوه صفتی در خود گاو است
آدم سخن یاوه زند، پس خود گاو است
ما عقل و خرد در طبق گاو ندیدیم
هر کس ز خرد دست کشد، پس خود گاو است

گاو آمده و یاوه شده دُرّ معانی
جز یاوه نمانده به کف آدم فانی

ادیب الممالک یخته دل





MollaNasroddin Satire Magazine 29

